حضرت زهرا و حضرت مهدى (عليهماالسلام)(2(

على مصلحى

اشاره‌

در قسمت اول اين مقاله (در فصل‌نامه شماره 7) برخي شباهت‌هاي حضرت زهرا(س) و امام مهدي(س) آورده شد.

در اين نوشتار، علا‌وه بر ذكر موارد مشترك ديگر، به ارتباط‌هايي كه در امور معنوي و عبادي بين آن دو بزرگوار وجود دارد مي پردازيم.

انبياء و اقرار به ولا‌يت، توسل به آن دو، توجه خاص امام زمان(عج) به مادر و سلا‌له او ، ميراث ما در نزد فرزند، اندوه بر مصايب فاطمي و... ، ديگر مباحث اين نوشتار را تشكيل مي دهد.

مقدمه‌

در فصل‌نامه شماره‌ 7، دربارهِ‌ ارتباط‌ ميان‌ حضرت‌ زهرا(س) و حضرت‌ مهدي(عج) و همانندي‌هاي‌ آن‌ دو بزرگوار، مطالبي‌ را كه‌ از قرآن‌ و روايات‌ استفاده‌ مي‌شد آورديم و به هيجده مورد از آن‌ها اشاره كرديم. در اين‌ شماره، ادامهِ‌ آن‌ را پي‌ مي‌گيريم‌ و به‌ برخي ديگر از موارد اشاره‌ خواهيم كرد.

19. حضرت‌ زهرا(س) نور اهل‌ آسمان‌ و حضرت‌ مهدي(عج) نور اهل‌ زمين‌ است‌

الف) حضرت‌ زهرا(س) نور اهل‌ آسمان‌ است‌

در بخشي‌ از يك‌ حديث‌ طولاني‌ و زيبا، پيامبر اكرم(ص) فرمود:

ثم‌ ا‌ظلمت‌ المشارق‌ و المغارب، فشكت‌ الملائكه` اِلي‌ الله‌ تعالي‌ ان يكشف‌ عنهم‌ تلك‌ الظلمه`. فتكلم‌ الله‌ جلّ جلالُه‌ كلمه`ً فخلق‌ منها روحا ثُمّ تكلم‌ بكلمه`ٍ فخلق‌ من‌ تلك‌ الكلمه` نوراً، فأ‌ضاءت‌ النور اِلي‌ تلك‌ الروح‌ و ا‌قامها مقامً العرش‌ فزهرت‌ المشارق‌ و المغارب‌ فهي فاطمه` الزهراء و لذلك‌ سميت‌ الزهراء لان نورها زهرت‌ به‌ السماوات.1

سپس‌ ظلمت‌ و تاريكي‌ همه‌ جا را فرا گرفت. ملائكه‌ به‌ خدا شكايت‌ كردند: <خدايا! اين‌ تاريكي‌ را از ما برطرف‌ كن>. پس‌ خداوند، كلمه‌اي‌ فرمود. از آن‌ كلمه، روحي‌ را خلق‌ كرد. سپس‌ كلمه‌اي‌ فرمود. از آن‌ كلمه‌ هم، نوري‌ خلق‌ كرد. آن‌ نور، روشنايي‌ داد (و اضافه‌ شد) به‌ آن‌ روح. خداوند، او را در جايگاه‌ عرش‌ جا داد. پس‌ همه‌ جا روشن‌ شد. آن، حضرت‌ فاطمه‌ زهرا(س) است. به‌ همين‌ دليل، <فاطمه> را <زهرا> ناميدند؛ چون‌ به‌ واسطهِ‌ نور او، آسمان‌ها روشن‌ شد.

ب) حضرت‌ مهدي(عج) نور اهل‌ زمين‌ است‌

مفضل‌ بن‌ عمر مي‌گويد:

از امام‌ صادق(ع) شنيدم‌ كه‌ فرمود: <ربّ الا‌رض> در آيهِ‌ )وا‌شرقت‌ الا‌رض‌ بنور ربّها2(؛ يعني‌ امام‌ الارض‌ <مراد امام‌ زمين‌ است.> پرسيدم: <وقتي‌ حضرت‌ خروج‌ كند چه‌ مي‌شود؟>.

فرمود: <در آن‌ روز، مردم، از نور خورشيد و ماه، بي‌نياز مي‌شوند و به‌ نور امام(ع) اكتفا مي‌كنند.3

مراد از <امام> در اين‌ روايت، يقيناً، حضرت‌ مهدي(عج) است؛ زيرا اوّلاً: در خود روايت‌ مي‌گويد: <وقتي‌ قيام‌ كند، چه‌ اتفاقي‌ مي‌افتد؟>. ثانياً، هيچ‌ زماني‌ اين‌ گونه‌ نبوده‌ و فقط‌ در زمان‌ آن‌ حضرت، مردم‌ از نور خورشيد و ماه‌ بي‌نياز مي‌شوند.4

دليل‌ اين‌ مطلب، روايتي‌ است‌ كه‌ باز خود مفضل‌ بن‌ عمر از امام‌ صادق(ع) نقل‌ مي‌كند كه‌ فرمود:

اِذا قائمنا قام، ا‌شرقت‌ الا‌رض‌ بنور ربّها و استغني‌ العباد عن‌ ضوء الشمس‌ و ذهبت‌ الظلمه`....5

وقتي‌ قائم‌ ما قيام‌ كند، زمين، به‌ نور پروردگارش‌ روشن‌ مي‌شود و مردم، از نور خورشيد بي‌نياز مي‌شوند و ظلمت‌ به‌ طور كلي‌ از بين‌ مي‌رود.

20. حضرت‌ زهرا(س) خيره` الا‌حرار و سيده` النساء، مادر حضرت‌ مهدي(عج) خيره` الاِماء و سيده` الاِماء است‌

جابر جعفي‌ مي‌گويد:

از امام‌ باقر(ع) شنيدم‌ كه‌ فرمود: عمر بن‌ خطاب‌ به‌ اميرالمؤ‌منين(ع) عرض‌ كرد: <اسم‌ مهدي(ع) چيست؟>. حضرت‌ فرمود: <رسول‌ خدا(ص) از من‌ تعهّد گرفتند كه‌ نام‌ او را بيان‌ نكنم‌ تا خداوند، به‌ او، اجازهِ‌ قيام‌ بدهد>.

عمر گفت: <پس‌ اوصاف‌ او را بگو>. حضرت‌ فرمود: <او، جواني‌ است‌ ميانه، صورتش‌ بسيار زيبا، با موهاي‌ زيبايي‌ كه‌ بر شانه‌هايش‌ مي‌رسد و نور صورتش‌ بر سياهي‌ محاسن‌ و موهاي‌ سرش‌ غلبه‌ دارد>.

آن‌ گاه‌ حضرت‌ فرمود: <پدرم‌ فداي‌ فرزند بهترين‌ كنيزان>.6

عبدالرحيم‌ قيصر مي‌گويد:

به‌ امام‌ باقر(ع) عرض‌ كردم: <اين‌ جملهِ‌ اميرمؤ‌منان(ع): "بأ‌بي ابن‌ خيره` الاِماء" آيا منظور، فاطمه‌ است>؟ حضرت‌ فرمود: <همانا فاطمه‌ بهترين‌ و برگزيدهِ‌ زنان‌ آزاده‌ است>.7

امام‌ كاظم(ع) در ضمن‌ بيان‌ خصوصيات‌ حضرت‌ مهدي(عج) مي‌فرمايد: <ذلك‌ ابن‌ سيده` الاِماء الذي‌ يخفي‌ علي‌ الناس‌ ولادته...8؛ آن، فرزند سرور كنيزان‌ است‌ كه‌ تولدش‌ بر مردم‌ مخفي‌ مي‌ماند>.

امام‌ صادق(ع) با معرفي‌ حضرت‌ مهدي(عج) مي‌فرمايد:

هو الخامس‌ من‌ ولد ابني موسي‌ ذلك‌ ابن‌ سيده` الاِماء....9

او، پنجمين‌ امام‌ پس‌ از پسرم‌ موسي‌ كاظم‌ است. او، فرزند سرور كنيزان‌ است.

بنابرآن‌ چه‌ گفتيم، حضرت‌ زهرا(س) خيره` الا‌حرار و حضرت‌ نرجس‌ خاتون(س) خيره` الاِماء و سيده` الاِماء است.

21. سخن‌ گفتن‌ حضرت‌ زهرا(س) و حضرت‌ مهدي(عج) هر دو در شكم‌ مادر

الف) حضرت‌ زهرا(س) با مادر سخن‌ مي‌گويد:

امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد:

<وقتي‌ حضرت‌ خديجه(س) با پيامبر(ص) ازدواج‌ كرد، زنان‌ مكه‌ از او كناره‌گيري‌ كردند، (و او تنها شد) تا اين‌ كه‌ به‌ حضرت‌ زهرا(س) باردار شد. در آن‌ زمان‌ بود كه‌ فاطمه، با او سخن‌ مي‌گفت‌ و از او مي‌خواست‌ كه‌ صبر كند.10

ب) سخن‌ گفتن‌ حضرت‌ مهدي(عج) در شكم‌ مادر:

حضرت‌ حكيمه‌ خاتون، وقتي‌ قضيّهِ‌ شب‌ تولّد را نقل‌ مي‌كند، مي‌گويد:

امام‌ عسكري(ع) فرمود: <سورهِ‌ قدر را بر نرجس‌ خاتون‌ بخوان.> شروع‌ كردم‌ به‌ خواندن‌ سوره‌ قدر. پس‌ آن‌ طفل، در شكم‌ نرجس‌ خاتون، با من‌ همراهي‌ مي‌كرد و مي‌خواند آن‌ چه‌ من‌ مي‌خواندم‌ و بر من‌ سلامي‌ كرد. من‌ ترسيدم.

امام، صدا زد: <اي‌ عمه! از قدرت‌ الهي‌ تعجب‌ نكن، كه‌ حق‌ تعالي‌ كودكان‌ ما را به‌ حكمت‌ گويا مي‌گرداند و ما را در بزرگي، در زمين، حجت‌ خود مي‌گرداند>.11

22. حضرت‌ زهرا(س) و حضرت‌ مهدي(عج) شفيع‌ مؤ‌منان‌ در قيامتند

الف) حضرت‌ زهرا(س) شفيع‌ روز قيامت‌ است:

روايات‌ دلالت‌ كننده‌ بر مقام‌ شفاعت‌ زهرا(س) متعدد هستند.12 در اين‌ جا، به‌ برخي‌ از آن‌ها اشاره‌ مي‌شود.

پيامبر اكرم(ص) فرمود:

اي‌ فاطمه! بشارت‌ باد بر تو! نزد خداوند مقام‌ محمودي‌ داري. در آن‌ مقام، براي‌ دوستداران‌ و شيعيان‌ خودت، شفاعت‌ مي‌كني‌ و شفاعت‌ تو پذيرفته‌ مي‌شود.13

بلال‌ بن‌ حمامه` مي‌گويد:

يك‌ روز پيامبر اكرم(ص) بر ما وارد شد در حالي‌ كه‌ نور صورتش‌ مثل‌ ماه‌ درخشان‌ بود و خوش‌حال‌ بود. عبدالرحمان‌ بن‌ عوف‌ عرض‌ كرد: <اي‌ رسول‌ خدا! اين‌ نور چيست>!؟ فرمود: <از طرف‌ خداوند، بشارتي‌ در مورد برادرم‌ و پسر عمويم‌ (علي‌ <ع>) و دخترم‌ آمد كه‌ به‌ واسطهِ‌ آن‌ دو، مردان‌ و زنان‌ امّتم‌ از آتش‌ جهنم‌ نجات‌ پيدا مي‌كنند>.14

اميرمؤ‌منان(ع) خطاب‌ به‌ امام‌ حسن‌ و امام‌ حسين(ع) فرمود: <شما، پيشوا هستيد و شفاعت‌ براي‌ مادر شماست>.15

ب) حضرت‌ مهدي(عج) هم‌ شفيع‌ روز قيامت‌ است:

در حديثي، امير مومنان‌ علي(ع) و جابر بن‌ عبدالله‌ انصاري‌ از رسول‌ خدا(ص) نقل‌ مي‌كنند كه‌ پيامبر(ص) مقامات‌ ائمه(ع) را در روز قيامت‌ بيان‌ فرمود. مقام‌ حضرت‌ مهدي(عج) را اين‌ گونه‌ بيان‌ مي‌فرمايد: امام‌ مهدي(عج)، شفيع‌ مؤ‌منان‌ در روز قيامت‌ است؛ چرا كه‌ اذن‌ شفاعت، از طرف‌ خداوند داده‌ نمي‌شود مگر به‌ كسي‌ كه‌ خداوند بخواهد و به‌ آن‌ راضي‌ باشد.16

23. مظلوميت‌ حضرت‌ زهرا(س) و حضرت‌ مهدي(عج)

الف) ستم‌ ديدگي‌ حضرت‌ زهرا(س):

در زيارت‌ آن‌ حضرت‌ مي‌خوانيم: <السلام‌ عليك‌ ا‌يتها المعصومه` المظلومه`17؛ سلام‌ بر تو اي‌ پاك‌ ستمديده>.

و <اللهم‌ صل... و صلّ علي‌ البتول....المظلومه` المقهوره`>.18

امير مؤ‌منان‌ علي(ع) در ترسيم‌ مظلوميّت‌ همسرش‌ مي‌فرمايد:

اِن فاطمه` بنت‌ رسول‌ الله(ص) لم‌ تزل‌ مظلومه`، من‌ حقها ممنوعه`....19

فاطمه، دختر پيامبر خدا(ص)، همواره‌ ستم‌ ديده‌ بوده‌ و از حق‌ خود محروم‌ شد.

ب) او(عج) ستمديده‌ است:

امير مؤ‌منان‌ علي(ع) در ترسيم‌ مظلوميت‌ و غربت‌ فرزندش‌ مهدي(عج) مي‌فرمايد: <صاحب‌ هذا الا‌مر الشريدُ الطريدُ الفريدُ الوحيد؛ صاحب‌ اين‌ امر، همان‌ رانده‌ شدهِ‌ دور شده‌ يگانه‌ و تنها است>.20

در حديث‌ ديگري‌ حضرت‌ علي(ع) تصريح‌ مي‌كند به‌ اين‌ كه‌ او غريب‌ است:

سيأ‌تي‌ الله‌ بقوم‌ يُحِبّهُم‌ و يُحِبّونَهُ و يَملِكُ مَن‌ هو بينهم‌ غريب....21

خداوند، گروهي‌ را مي‌آورد كه‌ آنان‌ را دوست‌ دارد و آنان‌ نيز او را دوست‌ مي‌دارند و كسي‌ كه‌ در ميان‌ آنان‌ غريب‌ است، بر آنان‌ حكومت‌ مي‌كند.

امام‌ كاظم(ع) مي‌فرمايد: <هو الطريد الوحيد الغريب؛ او، همان‌ رانده‌ شدهِ‌ يكه‌ و تنهاي‌ غريب‌ است>.22

حضرت، به‌ حدّي‌ مظلوم‌ است‌ كه‌ امام‌ باقر(ع) مي‌فرمايد: <اگر او را مي‌شناختند، او را تكه‌تكه‌ مي‌كردند>.23

همانند اذيت‌ و آزارهايي‌ كه‌ بر پيامبر(ص) پيش‌ آمد، بر ايشان‌ نيز وارد مي‌آيد و بلكه‌ بيش‌تر.24

باز در بيان‌ مظلوميت‌ ايشان‌ چنين‌ آمده‌ است‌ كه‌ وقتي‌ بر منبر كوفه‌ مي‌نشيند و عهدنامهِ‌ پيامبر(ص) را مي‌خواند، تمام‌ افراد از اطراف‌ او مي‌گريزند و تنها وزير او و يازده‌ نفر نقيب‌ باقي‌ مي‌مانند؛ هر چند آنان‌ باز مي‌گردند.25

آه‌ از اين‌ مظلوميّت! چه‌ قدر اين‌ مظلوميت‌ سوزناك‌ و جان‌كاه‌ است‌ كه: حضرت‌ زهرا(س) خود و فرزندش‌ را مظلوم‌ معرفي‌ مي‌كند.

مرحوم‌ ميرجهاني‌ مي‌گفت:

در عالم‌ روِ‌يا، مادر مظلومم‌ حضرت‌ فاطمه‌ صديقه(س) را ديدم‌ و ايشان‌ سه‌ بيت‌ شعر فارسي‌ خواند، وقتي‌ بيدار شدم‌ فقط‌ يك‌ بيت‌ را به‌ ياد داشتم‌ و آن‌ بيت‌ اين‌ گونه‌ است:

دلي‌ شكسته‌تر از من‌ در آن‌ زمانه‌ نبود

در اين‌ زمان‌ دل‌ فرزند من‌ شكسته‌تر است26

و بالا‌خره‌ خود حضرت‌ مهدي(عج) خود را مظلوم‌ترين‌ فرد عالم‌ معرفي‌ مي‌كند.

حجه`‌الاسلام‌ حاج‌ سيّد اسماعيل‌ شرفي‌ مي‌گويد:

به‌ عتبات‌ مقدّسه‌ مشرف‌ شده‌ بودم‌ و در حرم‌ مطهر حضرت‌ سيد الشهداء(ع) مشغول‌ زيارت‌ بودم. چون‌ دعاي‌ زائرين‌ در قسمت‌ بالا سر حرم‌ مطهر امام‌ حسين(ع) مستجاب‌ است، در آن‌ جا از خداوند خواستم‌ مرا به‌ محضر مبارك‌ مولايم‌ حضرت‌ مهدي،ارواحنافداه، مشرف‌ گرداند و ديدگانم‌ را به‌ جمال‌ بي‌ مثال‌ آن‌ بزرگوار روشن‌ كند.

مشغول‌ زيارت‌ بودم‌ كه‌ ناگهان‌ خورشيد جهان‌تاب‌ جمالش‌ ظاهر شد. گرچه‌ در آن‌ هنگام، حضرتش‌ را نشناختم، ولي‌ شديداً مجذوب‌ آن‌ بزرگوار شدم. پس‌ از سلام، از ايشان‌ پرسيدم: <شما كيستيد؟>. آقا فرمود: <من، مظلوم‌ترين‌ فرد عالم‌ هستم.>! من، متوجّه‌ نشدم‌ و با خود گفتم: <شايد ايشان‌ از علماي‌ بزرگ‌ نجف‌ هستند و چون‌ مردم‌ به‌ ايشان‌ گرايش‌ پيدا نكرده‌اند، خود را مظلوم‌ترين‌ فرد عالم‌ مي‌داند.> در اين‌ هنگام، ناگهان‌ متوجّه‌ شدم‌ كه‌ كسي‌ در كنارم‌ نيست. اين‌ جا بود كه‌ فهميدم، مظلوم‌ترين‌ فرد عالم، كسي‌ جز امام‌ زمان، ا‌رواحنا فداه، نيست‌ و من‌ نعمت‌ حضور آن‌ بزرگوار را زود از دست‌ دادم.27

بياييد با هم، اين‌ دو مظلوم‌ را از مظلوميت‌ بيرون‌ بياوريم.

24. علاقهِ‌ پيامبر(ص) به‌ حضرت‌ زهرا(س) و حضرت‌ مهدي(عج)

علاقه‌ و محبّت‌ رسول‌ خدا(ص) به‌ حضرت‌ زهرا(س) را در اين‌ نوشتار نمي‌توان‌ بيان‌ كرد و فقط‌ به‌ ذكر چند روايت‌ بسنده‌ مي‌كنيم:

حضرت‌ رسول‌ اكرم(ص) در حديثي، خطاب‌ به‌ اميرمؤ‌منان(ع) فرمود:

سفارش‌هايي‌ به‌ دخترم‌ فاطمه‌ كردم‌ و به‌ او گفتم‌ آن‌ها را به‌ شما بگويد. آن‌ها را حتمي‌ بدان؛ چرا كه‌ او شديداً راستگو هست.

سپس‌ پيامبر(ص) او را به‌ نزديك‌ خود خواند و سر او را بوسيد و فرمود: <اي‌ فاطمه! پدرت، فداي‌ تو باد>!28

در حديث‌ ديگر فرمود: <پدر و مادرم‌ فداي‌ تو باد>!29

در زيارت‌ حضرت‌ زهرا(س) مي‌خوانيم: <اللهم‌ صلّ علي‌ البتول...فاطمه` بنت‌ رسولك‌ و بضعه` لحمه‌ و صميم‌ قلبه‌ و فلذه` كبده...و حبيبه` المصطفي>.30

خدايا! درود فرست‌ بر بتول‌ فاطمه‌ دختر رسول‌ خودت‌ و پارهِ‌ تن‌ او و سويداي‌ دل‌ او و پارهِ‌ جگر او و محبوبهِ‌ مصطفي.

علاقهِ‌ پيامبر(ص) به‌ حضرت‌ مهدي(عج)

پيامبر(ص) با معرفي‌ حضرت‌ مهدي(عج) مي‌فرمايد:

بأَبي و امّي سَمِيٍّي و شبيهي و شبيهِ موسي‌ بن‌ عمران، عليه‌ جُيُوبُ النّورِ يَتَوقدُ من‌ شُعاعِ القُدسِ.31

پدر و مادرم‌ به‌ فداي‌ او باد! هم‌ نام‌ من‌ است‌ و شبيه‌ من‌ و حضرت‌ موسي‌ است. هاله‌اي‌ از نور گرداگرد او را فرا گرفته. اشعهِ‌ انوار قدسي‌ از او ساطع‌ است>.

اي‌ گل‌ محبوب‌ خاتم، با خدا همراه‌ و محرم‌

با دلي‌ سوزان‌ ماتم، بهر مادر گشته‌ پرغم‌

سوزد از هجر تو عالم، اي‌ گل‌ زهرا كجايي؟

بيا اي‌ زادهِ‌ زهرا، تويي‌ نور دل‌ طه32

پيامبر اكرم(ص) در حديثي‌ ديگر مي‌فرمايد:

طوبي‌ لمَن لقيه‌ و طوبي‌ لمَن ا‌حبّه‌ و طوبي‌ لمَن قال‌ به.33

خوشا به‌ حال‌ كسي‌ كه‌ او را ملاقات‌ كند، خوشا به‌ حال‌ كسي‌ كه‌ او را دوست‌ بدارد و خوشا به‌ حال‌ كسي‌ كه‌ به‌ او معتقد باشد!

آن‌ قدر او محبوب‌ پيامبر(ص) است‌ كه‌ در دعاي‌ عهد بعد از دعاهاي‌ متعدد براي‌ وجود مقدس‌ او و براي‌ فرجش، مي‌خوانيم: <اللّهُم و سُر نبيّك محمّداً بِرُوِ‌يَتِه؛ خدايا! خوش‌ حال‌ كن‌ پيامبرت‌ محمد را به‌ واسطهِ‌ ديدار وجود مقدس‌ حضرت‌ مهدي>.34

عبدالله‌ بن‌ عمر نقل‌ مي‌كند: پيامبر(ص) فرمود:

خداوند در شب‌ معراج، به‌ من‌ فرمود: <چه‌ كسي‌ را در زمين‌ بر امّت‌ات‌ جانشين‌ كرده‌اي؟> عرض‌ كردم: <برادرم‌ را>. فرمود: <علي‌ ابن‌ ابي‌طالب(ع) را؟> عرض‌ كردم:<بلي>. فرمود: <نظري‌ بر زمين‌ كردم، پس‌ تو را انتخاب‌ كردم....نظر ديگري‌ كردم‌ و علي(ع) را انتخاب‌ كردم‌ و او را وصي‌ تو قرار دادم....

اي‌ محمد!، علي‌ و فاطمه‌ و حسن‌ و حسين‌ و ائمه‌ را از يك‌ نور خلق‌ كردم. سپس‌ ولايت‌ آنان‌ را بر ملائكه‌ عرضه‌ داشتم. هر كس‌ آن‌ را پذيرفت، از مقرّبان‌ شد و هر كس‌ آن‌ را رد كرد، به‌ كافران‌ پيوست.

اي‌ محمد! اگر بنده‌اي، مرا چندان‌ پرستش‌ كند تا رشته‌ حياتش‌ از هم‌ بگسلد، ولي‌ در حالي‌ كه‌ منكر ولايت‌ آنان‌ است، با من‌ رو به‌ رو شود، او را در آتش‌ دوزخ‌ خواهم‌ افكند.

اي‌ محمد! آيا مايلي‌ آنان‌ را ببيني؟>. عرض‌ كردم: <بلي>. فرمود: <قدمي‌ پيش‌ گذار!> من، قدمي‌ جلو نهادم، ناگاه‌ ديدم، علي‌ ابن‌ ابي‌طالب‌ و حسن‌ و حسين‌ و علي‌ بن‌ الحسين‌ و محمّد بن‌ علي‌ و جعفر بن‌ محمّد و موسي‌ بن‌ جعفر و علي‌ بن‌ موسي‌ و محمّد بن‌ علي‌ و علي بن‌ محمّد و حسن‌ بن‌ علي‌ و حجت‌ قائم‌ را كه‌ در ميان‌ آنان، همانند ستاره‌اي‌ درخشان‌ (كوكب‌ دري) بود. گفتم: <اينان‌ چه‌ كساني‌اند>؟ گفت: <اينان، امامان‌ هستند و اين‌ ايستاده‌ (قائم)، كسي‌ است‌ كه‌ حلال‌ مرا حلال‌ مي‌كند و حرام‌ مرا حرام‌ و از دشمنان‌ من‌ انتقام‌ خواهد گرفت. اي‌ محمّد! او را دوست‌ بدار؛ چرا كه‌ من‌ او را دوست‌ مي‌دارم‌ و هر كس‌ او را دوست‌ بدارد نيز دوست‌ دارم.35

25 - عنايت‌ هر دو(ع) به‌ زائران‌ حسين(ع)

الف) عنايت‌ حضرت‌ زهرا(س) به‌ زائران‌ حسين(ع):

يكي‌ از ويژگي‌هاي‌ حضرت‌ زهرا(س) اين‌ است‌ كه‌ به‌ زائران‌ فرزند شهيدش‌ امام‌ حسين(ع) عنايت‌ ويژه‌اي‌ دارد. هنگامي‌ كه‌ آنان‌ به‌ زيارت‌ امام‌ حسين(ع) مي‌روند، حضرت‌ زهرا(س) حاضر مي‌شود و براي‌ آنان‌ طلب‌ آمرزش‌ و دعا مي‌كند.

روايات‌ متعددي‌ بر اين‌ مطلب‌ دلالت‌ مي‌كند. برخي‌ از آن‌ها به‌ شرح‌ زير است:

1. امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد:

اِنّ فاطمه` بنت‌ محمد، تحضر لزوّار قبر ابنها الحسين‌ فَتَستغفُر لَهُم‌ ذُنُوبَهُم.36

حضرت‌ فاطمه(س) دختر گرامي‌ حضرت‌ محمد(ص) براي‌ زوّار قبر فرزندش‌ حضرت‌ حسين(ع) حاضر مي‌شود، سپس‌ براي‌ گناهان‌ آنان‌ طلب‌ آمرزش‌ مي‌كند.

2. امام‌ صادق(ع) به‌ معاويه‌ بن‌ وَهَب‌ فرمود:

زيارت‌ حسين(ع) را ترك‌ مكن! آيا دوست‌ داري‌ كه‌ خدا، تو را در زمرهِ‌ كساني‌ ببيند كه‌ حضرت‌ رسول‌ و علي‌ و فاطمه‌ و ائمه(ع) در حقشان‌ دعا مي‌كنند؟37

3. سليمان‌ اعمش‌ مي‌گويد:

در كوفه، شب‌ جمعه‌اي‌ نزد شيخي‌ بودم. به‌ او گفتم: دربارهِ‌ زيارت‌ امام‌ حسين(ع) چه‌ مي‌گويي؟> گفت: <بدعت‌ است‌ و هر بدعتي، گمراهي‌ است‌ و هر صاحب‌ گمراهي‌ در آتش‌ است>. ناراحت‌ شدم‌ و رفتم.

نيمه‌هاي‌ شب‌ آمدم، درِ خانهِ‌ او را زدم. همسرش‌ گفت: <او به‌ زيارت‌ امام‌ حسين(ع) رفته‌ است>.

سليمان‌ مي‌گويد: من‌ هم‌ به‌ طرف‌ حرم‌ امام‌ حسين(ع) رفتم. وقتي‌ داخل‌ حرم‌ شريف‌ شدم، ديدم‌ شيخ‌ در حالي‌ كه‌ به‌ سجده‌ افتاده، گريه‌ و ناله‌ مي‌كند و از خداوند طلب‌ مغفرت‌ و توبه‌ مي‌كند. بعد از مدّتي‌ طولاني‌ سرش‌ را بلند كرد. گفتم: <اي‌ شيخ! ديروز آن‌ جمله‌ را گفتي، پس‌ الان‌ چه‌ گونه‌ به‌ زيارتش‌ آمدي؟> گفت: اي‌ سليمان! مرا سرزنش‌ نكن! ديشب، در خواب...، شتري‌ از نور ديدم‌ كه‌ كجاوه‌اي‌ از نور، بر روي‌ آن‌ شتر بود و داخل‌ آن‌ دو خانم‌ بودند. گفتم: <اين‌ دو خانم‌ بزرگوار كي‌اند؟> گفت: <يكي، حضرت‌ خديجه(س) و ديگري‌ حضرت‌ سيده` النساء فاطمه‌ زهرا(س) است>. گفتم: <اين‌ جمع‌ به‌ كجا مي‌روند؟> گفت: <به‌ زيارت‌ حسين‌ كه‌ در كربلا از روي‌ ظلم‌ شهيد شد، مي‌روند>.

به‌ آن‌ هودج‌ نگاه‌ كردم. ديدم‌ اوراقي‌ از آن‌ به‌ پايين‌ مي‌ريزد. پرسيدم: <اين‌ اوراق‌ مكتوب‌ چيست؟> گفت: <در اين‌ ورق‌ها نوشته‌ شده‌ هر كس‌ در شب‌ جمعه، به‌ زيارت‌ قبر حسين(ع) بيايد، از آتش‌ جهنم‌ ايمن‌ خواهد بود>.38

گواه‌ اين‌ قضيّه، تشرّف‌ حاج‌ علي‌ بغدادي‌ است‌ كه‌ سؤ‌الات‌ بسياري‌ از امام‌ زمان(عج) كرد. يكي‌ از آن‌ها اين‌ بود:

منبري‌ها جريان‌ سليمان‌ اعمش‌ را مي‌گويند. آيا اين‌ حديث‌ صحيح‌ است>؟ فرمود: <آري، راست‌ و صحيح‌ است>. گفتم: <سيدنا! صحيح‌ است‌ كه‌ مي‌گويند: هر كس‌ زيارت‌ كند حسين(ع) را در شب‌ جمعه، براي‌ او امان‌ است>؟ فرمود: <آري، والله!> و اشك‌ از چشمان‌ مباركش‌ جاري‌ شد و گريست.39

ب) عنايت‌ حضرت‌ مهدي(عج) به‌ زائران‌ حسين(ع):

قضاياي‌ زيادي‌ بر اين‌ مطلب‌ دلالت‌ دارد. يكي‌ از آن‌ها، قضيّهِ‌ معروف‌ جعفر نعل‌بند است‌ كه‌ مرحوم‌ نهاوندي‌ آورده‌ است.40

26. بيعت‌ كسي‌ بر آن‌ دو بزرگوار نيست‌ و از كسي‌ تقيّه‌ نمي‌كنند41

بيعت، پيماني‌ است‌ كه‌ به‌ موجب‌ آن‌ نتوان‌ با ستمگران‌ به‌ نبرد برخاست‌ و از روي‌ ناچاري‌ و تقيّه‌ بايد حكومت‌ آنان‌ را به‌ رسميّت‌ شناخت. همهِ‌ پيشوايان‌ معصوم، به‌ مقتضاي‌ حكمت‌ الهي‌ دچار چنين‌ پيماني‌ بودند، امّا بعضي‌ از معصومان‌ چنين‌ بيعتي‌ بر گردن‌ نداشتند.

الف) بيعت‌ و تقيه‌ نكردن‌ حضرت‌ زهرا(س):

دشمنان، پس‌ از غصب‌ خلافت، سعي‌ كردند از همهِ‌ مردم، به‌ ويژه‌ صحابهِ‌ خاصّ پيامبر اكرم(ص) خاصّه‌ خاندان‌ رسالت‌ (حضرت‌ علي‌ و حضرت‌ زهرا(ع)) براي‌ خود بيعت‌ بگيرند تا افكار عمومي‌ را به‌ خود جلب‌ كنند، ولي‌ حضرت‌ زهرا(س)، همهِ‌ مصيبت‌ها را تحمل‌ كرد و تا زنده‌ بود، با غاصبان‌ حكومت‌ بيعت‌ نكرد، بلكه‌ براي‌ بازگرداندن‌ خلافت‌ به‌ مسير اصلي‌اش، مبارزه‌ نمود و حتي‌ مانع‌ بيعت‌ حضرت‌ علي(ع) شد.42

ب) نبودن‌ بيعت‌ احدي‌ از ستمگران‌ بر گردن‌ حضرت‌ مهدي(عج) و تقيّه‌ نكردن‌ آن‌ حضرت:

پيشوايان‌ معصوم‌ ما، اگر با كسي‌ پيمان‌ مي‌بستند، (گر چه‌ از روي‌ مصلحت‌ و تقيه)، به‌ آن‌ پاي‌ بند بودند. بهترين‌ گواه، اين‌ است‌ كه‌ امام‌ حسين(ع) تا زماني‌ كه‌ معاويه‌ زنده‌ بود، به‌ خاطر احترام‌ به‌ صلح‌ برادرش‌ قيام‌ نكرد. حضرت‌ مهدي(عج) به‌ دليل‌ اين‌ كه‌ براي‌ ريشه‌ كن‌ كردن‌ ستم‌ و ستمگران‌ آفريده‌ شده‌ است‌ و اگر ظاهر و آشكار بود، سكوتش‌ به‌ معناي‌ رضا به‌ ستمگري‌ ستمگران‌ و ترك‌ نبرد با آنان‌ بود (گرچه‌ از روي‌ تقيّه) در پس‌ پرده‌ غيبت‌ به‌ سر مي‌برد تا بيعت‌ كسي‌ بر گردنش‌ نباشد. همين، يكي‌ از علل‌ غيبت‌ آن‌ حضرت‌ شمرده‌ شده‌ است.

حضرت‌ علي(ع) مي‌فرمايد:

....اِن القائم‌ منّا اِذا قام‌ لم‌ يكن‌ لا‌حد في عنقه‌ بيعه` فلذلك‌ تخفي‌ ولادته‌ و تغيب‌ شخصه.43

هنگامي‌ كه‌ قائم‌ ما قيام‌ كند، بيعت‌ احدي‌ بر گردن‌ او نخواهد بود. از اين‌ رو، ولادت‌ او مخفي‌ مي‌شود و از ديده‌ها پنهان‌ مي‌شود.

حضرت‌ مهدي(عج) فرمود:

اِنّه‌ لم‌ يكن‌ لا‌حد من‌ آبائي(ع) اِلاّ و قد وقعت‌ في عنقه‌ بيعه` لطاغيه` زمانه‌ و اِنّي‌ ا‌خرج‌ حين‌ ا‌خرج‌ و لابيعه` لا‌حد من‌ الطواغيت‌ في عنقي.44

بر گردن‌ همهِ‌ پدرانم، بيعت‌ سركشان‌ زمانه‌ بود، امّا من‌ وقتي‌ خروج‌ كنم، بيعت‌ هيچ‌ سركشي‌ بر گردنم‌ نيست.

در زمان‌ آن‌ حضرت‌ تقيه‌اي‌ در كار نيست:

حضرت‌ علي(ع) در تفسير آيهِ‌ شريفه‌ )وعد الله‌ الذين‌ ءامنوا منكم‌ وعملوا الصالحات‌ ليستخلفنّهم45... فرمود:

در امن‌ و امان‌ مرا بپرستند، بدون‌ هيچ‌ ترس‌ و واهمه‌اي و نياز به‌ تقيّه‌ احساس‌ نكنند. اين‌ آيه، در حق‌ قائم(عج) نازل‌ شده‌ است. منظور از <كساني‌ كه‌ ايمان‌ آورده‌اند>، در اين‌ آيه، پيشوايان‌ معصوم(ع) هستند.46

27. دوري‌ هر دو از ستمگران‌

الف) دوري‌ حضرت‌ زهرا(س):

بعد از آن‌ تلاشي‌ كه‌ حضرت‌ زهرا(س) براي‌ هدايت‌ مردم‌ و برگرداندن‌ ولايت‌ به‌ حضرت‌ علي(ع) كرد، و مورد بي‌ مهري‌ و ستم‌ قرار گرفت، از مردم‌ فاصله‌ گرفت‌ و در خانه‌ مشغول‌ عزاداري‌ و گريه‌ بر فقدان‌ پدر شد، امّا اين‌ بار هم‌ مورد بي‌لطفي‌ قرار گرفت‌ و جمعي‌ از بزرگان‌ به‌ حضور اميرالمؤ‌منين‌ علي(ع) آمدند و عرض‌ كردند:

فاطمه(س) شب‌ و روز گريه‌ مي‌كند. شب‌ از گريه‌ آن‌ حضرت‌ خواب‌ نداريم‌ و روز براي‌ ما آرامش‌ نيست‌ تا بتوانيم‌ به‌ امور معاش‌ خود بپردازيم. ما از تو تقاضا مي‌كنيم‌ كه‌ به‌ آن‌ حضرت‌ بگويي، يا شب‌ گريه‌ كند و روز آرام‌ باشد و يا روز گريه‌ كند و شب‌ آرام‌ باشد.

حضرت‌ علي(ع) نزد فاطمه(س) رفت‌ و او را هم‌چنان‌ گريان‌ ديد. كمي‌ كه‌ آرام‌ گرفت، به‌ او فرمود: <از من‌ تقاضا كردند كه‌ شما، يا شب‌ گريه‌ كني‌ يا روز>. فاطمه(س) گفت: <من‌ به‌ زودي‌ از ميان‌ آنان‌ مي‌روم. دست‌ از گريه‌ام‌ برنمي‌دارم‌ تا به‌ پدرم‌ ملحق‌ شوم>.

سپس‌ حضرت‌ علي(ع) براي‌ فاطمه(س) سرپناهي‌ به‌ نام‌ <بيت‌ الا‌حزان> دورتر از خانه‌هاي‌ مردم‌ در قبرستان‌ بقيع‌ ساخت.

فاطمه(س) هر روز صبح‌ حسن‌ و حسين(ع) را در پيش‌ روي‌ خود به‌ سوي‌ بقيع‌ روانه‌ مي‌كرد و گريان‌ به‌ بيت‌ الا‌حزان‌ مي‌رفت. وقتي‌ كه‌ شب‌ فرا مي‌رسيد، حضرت‌ علي(ع) نزد او مي‌آمد و همراه‌ آن‌ حضرت‌ به‌ خانه‌ مراجعت‌ مي‌كرد.47

امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد: <هر روز از مدينه‌ خارج‌ مي‌شد و كنار قبرهاي‌ شهيدان‌ مشغول‌ گريه‌ بود>.48

وقتي‌ زنان‌ مدينه‌ به‌ عيادت‌ حضرت‌ فاطمه(س) آمدند و از احوال‌ آن‌ حضرت‌ پرسيدند، حضرت‌ فاطمه‌ (س) پس‌ از حمد خداوند و درود بر پدرش‌ فرمود: <حالم‌ چنين‌ است‌ كه‌ به‌ خدا سوگند از دنياي‌ شما بيزار و بر مردانتان‌ خشمناكم>.49

در صحيح‌ بخاري‌ آمده، كه‌ وقتي‌ حضرت‌ زهرا(س) فدك‌ را مطالبه‌ كرد، ابوبكر خودداري‌ كرد و چيزي‌ را از فدك‌ به‌ او نداد. آن‌ حضرت‌ از ابوبكر ناراحت‌ شد. پس‌ از او كناره‌گيري‌ كرد و با او سخني‌ نگفت‌ تا از دنيا رفت.50

ب) دوري‌ حضرت‌ مهدي(عج):

حضرت‌ مهدي(عج) از هنگام‌ ولادت، از مردم‌ و به‌ ويژه‌ ستمگران، مخفي‌ بود. در آغاز ولادت، بعضي‌ به‌ صورت‌ محدود مي‌توانستند خدمت‌ آن‌ حضرت‌ برسند. اين‌ محدوديت، در زمان‌ غيبت‌ صغري‌ بيش‌تر شد و در زمان‌ غيبت‌ كبري‌ به‌ اوج‌ خود رسيد و از مردم‌ دوري‌ مي‌فرمود.

امام‌ باقر(ع) مي‌فرمايد:

<اِذا غضب‌ الله‌ تبارك‌ و تعالي‌ علي‌ خلقه، نحّانا عن‌ جوارهم.

هنگامي‌ كه‌ خداي‌ تبارك‌ و تعالي‌ بر مردمان‌ خشمگين‌ شود، ما را از مجاورت‌ آنان‌ دور مي‌سازد51.

در روايات‌ ديگر داريم، ولادت‌ و رشد او مخفي‌ است52؛ پنهاني‌ است، كه‌ انتظار مي‌كشد.53 مردم‌ امام‌ خود را نمي‌بينند، او در موسم‌ حج‌ حاضر مي‌شود و مردم‌ را مي‌بيند، اما مردم‌ او را نمي‌بينند.54

خود حضرت‌ مهدي(عج) در توقيع‌ شريف‌ به‌ شيخ‌ مفيد مي‌فرمايد:

اگر چه‌ ما در مكان‌ دور دستي‌ زندگي‌ مي‌كنيم، مكاني‌ كه‌ از خانه‌هاي‌ ستمگران‌ به‌ دور است، به‌ جهت‌ مصلحتي‌ كه‌ خداوند براي‌ ما و شيعيان‌ ما ديده‌ در اين‌ دوري، امّا ما از خبرهاي‌ شما آگاه‌ هستيم55... .

حضرت‌ به‌ علي‌ بن‌ ابراهيم‌ بن‌ مهزيار فرمود:

پدرم‌ امام‌ عسكري(ع) با من‌ پيمان‌ بسته‌ كه‌ در كنار گروهي‌ كه‌ مورد غضب‌ و نفرين‌ خداوند قرار گرفتند، زندگي‌ نكنم‌ و به‌ من‌ دستور داده‌ كه‌ تنها در كوه‌هايي‌ كه‌ عبور از آن‌ دشوار است‌ و زمين‌هاي‌ ويران، مسكن‌ گزينم56....

28. آزادي‌ از تعلّقات‌ دنيايي‌

دختر اشرف‌ مخلوقات‌ عالم، همسر برترين‌ مردمان‌ و سرور زنان‌ دو عالم، در نهايت‌ زهد و دوري‌ از دنيا و حتّي‌ ابتدايي‌ترين‌ نيازهاي‌ يك‌ زندگي‌ ساده‌ و عادي‌ مي‌زيست.

در زيارت‌ آن‌ حضرت‌ مي‌خوانيم: <حليفه` الورع و الزهد57؛ بريده‌ از دنيا و فاني‌ در ذات‌ احديت‌ بود>.

حسن‌ بصري‌ مي‌گويد: <لم‌ يكن‌ في الاُمه` ا‌زهد و لا ا‌عبد من‌ فاطمه`؛ در امت‌ پيامبر(ص) زاهدتر و عابدتر از زهرا(س) نبود>.58

حضرت‌ مهدي(عج) نيز با اقتدا به‌ مقتداي‌ خويش، در نهايت‌ زهد و سادگي‌ زندگي‌ مي‌كند.

حضرت‌ صادق(ع) مي‌فرمايد:

فوالله! ما لباسه‌ اِلا الغليظ‌ و لا طعامه‌ اِلا الجشب.59

به‌ خدا سوگند! لباس‌ مهدي(عج) جز پوشاكي‌ درشت‌ و خوراك‌ او جز غذايي‌ سخت‌ نيست.

29. بندگي‌ خداوند

حضرت‌ زهرا(س) به‌ حدّي‌ خالصانه‌ خداوند را عبادت‌ مي‌كرد كه‌ خداوند با او بر ملايكه‌ مباهات‌ مي‌كرد و مي‌فرمود:

بنگريد به‌ بهترين‌ بندهِ‌ من‌ فاطمه! او در مقابل‌ من‌ ايستاده‌ و از خوف‌ من‌ تمامي‌ وجودش‌ مي‌لرزد و با تمامي‌ حضور قلب، به‌ عبادت‌ من‌ روي‌ آورده‌ است.60

امام‌ حسن(ع) مي‌فرمايد:

مادرم، در شب‌هاي‌ جمعه، در محراب‌ به‌ عبادت‌ مي‌ايستاد و مدام‌ ركوع‌ و سجده‌ مي‌كرد تا صبح‌ طلوع‌ مي‌كرد.61

حضرت، به‌ قدري‌ عبادت‌ مي‌كرد كه‌ قدم‌هايش‌ ورم‌ كرد.62

حضرت‌ مهدي(عج) هم‌ به‌ قدري‌ عبادت‌ خداوند را مي‌كند كه‌ رنگ‌ رخسار مباركش‌ متمايل‌ به‌ زرد است.

امام‌ كاظم(ع) مي‌فرمايد: <مهدي، بر اثر تهجّد و شب‌ زنده‌داري، رنگش‌ به‌ زردي‌ متمايل‌ مي‌شود>.63

30. مبارزه‌ با انحراف‌ها و بدعت‌ها

زهرا(س) فداي‌ رسالت‌ و ولايت‌ شد تا دين‌ بماند، بدعت‌ها و انحرافات‌ از بين‌ برود و تلاش‌هاي‌ پدرش‌ به‌ ثمر برسد. دربارهِ‌ مبارزات‌ آن‌ بزرگوار با انحرافات، سخن‌ فراوان‌ است. خطبهِ‌ فدكيه‌ و خطبه‌هاي‌ ديگر آن‌ بانوي‌ پهلو شكسته‌ و مصيبت‌ ديده، گوياي‌ مبارزهِ‌ حضرت‌ است.64

حضرت‌ مهدي(عج) هم‌ با بدعت‌ها و انحرافات‌ مبارزه‌ مي‌كند و فرايض‌ الهي‌ و سنن‌ نبوي‌ را احيا خواهد كرد.

امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد: <بدعتي‌ نمي‌ماند جز آن‌ كه‌ از بين‌ مي‌برد و سنّتي‌ نمي‌ماند جز آن‌ كه‌ بر پامي‌دارد>.65

حضرت‌ علي(ع) مي‌فرمايد: <هر چه‌ از كتاب‌ و سنّت، متروك‌ مانده، زنده‌ خواهد كرد>.66

در دعاي‌ شريف‌ ندبه‌ مي‌خوانيم:

ا‌ين‌ المؤ‌مل‌ لاِحياء الكتاب‌ و حدوده؟ ا‌ين‌ محيي معالم‌ الدين‌ و ا‌هله؟ ا‌ين‌ المدّخر لتجديد الفرائض‌ و السنن؟67

كجا است‌ آرزو كشيده‌ براي‌ زنده‌ كردن‌ قرآن‌ و حدودش؟ كجا است‌ زنده‌ كنندهِ‌ آثار دين‌ و اهل‌ دين؟ كجا است‌ آن‌ ذخيرهِ‌ الهي‌ براي‌ تجديد واجبات‌ و سنت‌هاي‌ اسلام؟

31. غم‌ خواري‌ و توجه‌ به‌ امور مسلمانان، به‌ ويژه‌ شيعيان‌

يكي‌ از علت‌هايي‌ كه‌ فاطمه(س) را به‌ ميدان‌ آورد و آن‌ همه‌ مصايب‌ و آزارها را تحمّل‌ كرد، همّ و غمّ آن‌ حضرت‌ نسبت‌ به‌ امّت‌ پدرش‌ و شيعيان‌ شوهرش‌ و مصايبي‌ كه‌ دامن‌گيرشان‌ خواهد شد بود.

حضرت، همراه‌ اشك‌ها و ناله‌هايش، در فراق‌ محبوبش‌ به‌ پدر بزرگوارش‌ عرضه‌ مي‌دارد:

يا ا‌بتاه! مَن‌ للا‌رامل‌ و المساكين؟ و مَن للا‌مّه` اِلي‌ يوم‌ الدين؟68

پدر جان! پس‌ از تو، چه‌ كسي‌ به‌ فرياد يتيمان‌ و مساكين‌ خواهد رسيد؟ پدر جان! براي‌ امّت، چه‌ كسي‌ پس‌ از تو، تا قيامت‌ خواهد بود؟

حضرت، تا بدان‌ جا نسبت‌ به‌ امور امّت‌ پدرش‌ اهتمام‌ مي‌ورزد كه‌ شب‌ تا صبح‌ را پيوسته‌ در ركوع‌ و سجود و قيام‌ و دعا مي‌گذراند و همواره، مؤ‌منان‌ را دعا مي‌كند و از براي‌ خود دعايي‌ نمي‌كند. وقتي‌ فرزند دل‌بندش‌ حسن(ع) علّت‌ را جويا مي‌شود؟، مي‌فرمايد: <الجار ثم‌ الدار>69.

حضرت‌ مهدي(عج) نيز غم‌خوار همگان، به‌ ويژه‌ شيعيان‌ است‌ و براي‌ آنان‌ دعا مي‌كنند. توقيعات‌ و ملاقات‌هاي‌ فراوان، بر اين‌ مطلب‌ دلالت‌ مي‌كند.

حضرت، در توقيعي‌ مي‌فرمايد:

... به‌ من‌ رسيده‌ است‌ كه‌ گروهي‌ از شما، در دين، به‌ ترديد افتاده‌ايد و در دل، نسبت‌ به‌ اولياي‌ امر خود، دچار شك‌ و حيرت‌ شده‌ايد! اين، مايه‌ غم‌ و اندوه‌ ما شد. به‌ خاطر شما و نه‌ به‌ خاطر خودمان‌ و دربارهِ‌ شما ناراحت‌ شدم‌ نه‌ دربارهِ‌ خودمان.... ما بر احوال‌ شما آگاهيم‌ و اوضاع‌ شما بر ما پوشيده‌ نيست. ما در رسيدگي‌ و توجّه‌ به‌ شما، كوتاهي‌ نكرده‌ايم‌ و ياد شما را از خاطر نبرده‌ايم. اگر جز اين‌ بود، مشكلات‌ و گرفتاري‌ها بر شما روي‌ مي‌آورد و دشمنان‌ شما را نابود مي‌كردند.70

32. ايثار و انفاق‌

از خود گذشتگي‌ و انفاق‌ حضرت‌ زهرا(س) مطالب‌ بسياري‌ دارد و بحث‌ مستقلي‌ را مي‌طلبد. گذرا، به‌ برخي‌ از آن‌ها اشاره‌ مي‌كنيم.

هر كس‌ از هر كجا نااميد مي‌شد، به‌ دَرِ خانه‌ زهرا مي‌آمد و با حاجتي‌ روا شده‌ برمي‌گشت. مكرّر، اين‌ اتفاق‌ مي‌افتاد كه‌ پيامبر(ص) محرومان‌ را دَرِ خانه‌ او مي‌فرستادند. حضرت‌ پيراهن‌ شب‌ عروسي‌ و گردن‌بند خويش‌ را به‌ نيازمندان‌ بخشيد. او حتي‌ طعام‌ و قرص‌ نان‌ و دست‌بند و گوشواره‌ و حتّي‌ پرده‌ و فرش‌ منزل‌ خويش‌ را به‌ سائل‌ داد. بخشندگي‌ وي‌ بدان‌ مرحله‌ مي‌رسد كه‌ در كتاب‌ خداوند ثبت‌ مي‌شود: )ويطعمون‌ الطعام‌ علي‌ حبّه‌ مسكيناً و يتيماً و ا‌سيراً.(71

حضرت‌ مهدي(عج) فرزند مادري‌ اين‌ چنين‌ است. از اين‌ رو، پناه‌ محرومان‌ و درماندگان‌ است.

امام‌ باقر(ع) فرمود: <مهدي، بخشنده‌اي‌ است‌ كه‌ مال‌ را به‌ وفور مي‌بخشد و بر بينوايان‌ بسيار رئوف‌ و مهربان‌ است>.72

33. تلاش‌

حضرت‌ زهرا(س) از همان‌ اوان‌ كودكي، در راه‌ دين‌ مجاهده‌ مي‌كرد. هر زمان‌ پيامبر را خطري‌ تهديد و مصيبتي‌ آزار مي‌داد، زهرا(س) به‌ ميدان‌ مي‌آمد. پيامبر را از توطئهِ‌ قتلش‌ آگاه‌ كرد.73 خاكستر از روي‌ پدر سترد. در جنگ‌ احد، آن‌ گاه‌ كه‌ دندان‌ مبارك‌ پيامبر(ص) شكست‌ و پيشاني‌اش‌ مجروح‌ شد و سر و صورت‌ حضرت، غرقه‌ در خون‌ گشت، او به‌ مداواي‌ پيامبر مشغول‌ شد.

حضرت، در راه‌ ولايت‌ آن‌ قدر تلاش‌ و مجاهدت‌ كرد تا در اين‌ مسير، جان‌ عزيزش‌ را فدا كرد. او شب‌ها به‌ همراه‌ علي(ع)، دست‌ حسنين‌ را مي‌گرفت‌ و به‌ خانهِ‌ مهاجران‌ و انصار مي‌رفت‌ و آنان‌ را به‌ ياد بيعتشان‌ در عقبه‌ و غدير مي‌انداخت‌ و فضايل‌ علي‌ را يادآورشان‌ مي‌شد. با اين‌ هدف‌ والا كه‌ امام‌ زمان‌شان‌ را به‌ آنان‌ بشناساند و آنان‌ را از مرگ‌ جاهليّت‌ برهاند و ياوراني‌ براي‌ امام‌ زمان‌ خويش‌ فراهم‌ كند.

حضرت‌ مهدي(عج) نيز براي‌ تحّقق‌ آرمان‌هاي‌ والاي‌ پيامبر و در ادامهِ‌ مسير حركت‌ زهرا(س) همواره‌ مشغول‌ مجاهدت‌ و سازندگي‌ است.

امام‌ رضا(ع) مي‌فرمايد: <او، شتابنده‌ به‌ سوي‌ نيكي‌ها و بزرگواري‌ها و تلاش‌گري‌ سخت‌ كوش‌ است>.74

------------------

پي نوشت ها :

1.بحار الانوار، ج‌ 40، ص‌ 44؛ فاطمه` الزهراء(س) بهجه` قلب‌ المصطفي(ص)، ص‌ 177.

2.زمر/ 69. (زمين‌ (در آن‌ روز) به‌ نور پروردگارش‌ روشن‌ مي‌شود).

3.تفسير نورالثقلين، ذيل‌ آيه، ح‌ 121. (محدث‌ نوري‌ (ره) چند روايت‌ از تفسير علي‌ بن‌ ابراهيم‌ و ارشاد مفيد و غيبت‌ طوسي‌ و كمال‌الدين‌ صدوق‌ و كفايه` الاثر شيخ‌ خرّاز و غيبت‌ فضل‌ بن‌ شاذان‌ نقل‌ مي‌كند و مي‌گويد به‌ قرينه‌ حديث‌ اول، معلوم‌ مي‌شود مراد، نور ظاهري‌ است‌ وگرنه‌ ممكن‌ است‌ گفته‌ شود مراد نور معنوي‌ است‌ كه‌ نور علم‌ و حكمت‌ و عدل‌ باشد؛ نجم‌ الثاقب، جمكران، خصلت‌ بيست‌ و نهم، ص‌ 168).

4.البته‌ ممكن‌ است‌ اين‌ روايت، يك‌ تفسير باطني‌ هم‌ داشته‌ باشد كه‌ تمام‌ ظلمت‌ها مي‌رود حتّي‌ ظلمت‌هاي‌ نوراني‌ يا پيشرفت‌هاي‌ علمي‌ مي‌شود كه‌ به‌ نور خورشيد و ماه‌ نياز نباشد. (بايد تأ‌مل‌ كرد).

5.شيخ‌ طوسي، الغيبه`، ح‌ 484، ص‌ 467؛ المحجه` فيما نزل‌ في القائم(عج)، ذيل‌ آيه، ص‌ 748؛ تفسير نورالثقلين، ج‌ 4، ذيل‌ آيه، ح‌ 122.

6.همان، موسسه‌ معارف‌ اسلامي، ح‌ 487، ص‌ 470؛ كشف‌ الغمه`، ج‌ 3، ص‌ 263؛ عزيز آل‌ ياسين(ع)، ص‌ 48 (به‌ نقل‌ از مهدي‌ منتظر در نهج‌البلاغه، ص‌ 114).

7.نعماني، الغيبه`، عربي، ص‌ 151، و نشر صدوق، ص‌ 323.

8.منتخب‌ الاثر، باب، ا‌نّه‌ ابن‌ سيّد الاِماء، (به‌ نقل‌ از كفايه` الاثر و كمال‌ الدين).

9.همان، باب‌ ا‌نّه‌ ابن‌ سيد الاِماء، (به‌ نقل‌ از كمال‌ الدين) ر.ك: معجم‌ احاديث‌ اِلامام‌ المهدي(عج)، ج‌ 3، ح‌ 691، ص‌ 165.

10.امالي‌ صدوق، مجلس‌ 87، ح‌ 947/1. بحارالانوار، ج‌ 43، ص‌ 25. فاطمه` الزهراء(س) بهجه` قلب‌ المصطفي(ص)، ص‌ 129 به‌ نقل‌ از عامه‌ و خاصه.

11.كمال‌ الدين، ب‌ 42، ح‌ 2؛ نجم‌ الثاقب، ط‌ جمكران، باب‌ اول، ص‌ 39؛ اثبات‌ الوصيه، ص‌ 249؛ تفسير نورالثقلين، ج‌ 5، ذيل‌ سوره‌ قدر، ح‌ 19، ص‌ 616.

12.ر.ك: به‌ بحارالانوار، ج‌ 43، صص‌ 62، 64 و 225 و ج‌ 8، ص‌ 53.

13.فاطمه` الزهراء(س) بهجه` قلب‌ المصطفي(ص)، ص‌ 743 (به‌ نقل‌ از كنزالفوائد، ح‌ 1، ص‌ 150).

14.مقتل‌ خوارزمي، چاپ‌ انوارالهدي، ج‌ 1، ح‌ 25، ص‌ 101.

15.فاطمه‌ الزهراء(س) بهجه` قلب‌ المصطفي(ص)، ص‌ 10 (به‌ نقل‌ از كشف‌ الغمه`، ج‌ 1، ص‌ 506).

16.مناقب‌ ابن‌ شهر آشوب، چاپ‌ دارالاضواء، ج‌ 1، ص‌ 355.

17.سيد بن‌ طاووس، اقبال، عمل‌ روز بيستم‌ جمادي‌ الاخر؛ در مفاتيح‌الجنان: <السلام‌ عليك‌ ا‌يتها المظلومه` المغصوبه`>.

18.همان، عمل‌ روز بيستم‌ جمادي‌ الاخر؛ مفاتيح‌الجنان، زيارت‌ دوم‌ حضرت‌ زهرا(س).

19.شيخ‌ طوسي، امالي، ص‌ 156، ضمن‌ ح‌ 258.

20.معجم‌ احاديث‌ الامام‌ المهدي(عج)، ج‌ 3، ح‌ 595، ص‌ 43.

21.روزگار رهايي، ج‌ 2، ص‌ 608 (به‌ نقل‌ از ينابيع‌ الموده`، ج‌ 3، ص‌ 131).

22.كمال‌الدين، باب‌ 34.

23.معجم‌ ا‌حاديث‌ الاِمام‌ المهدي(عج)، ج‌ 3، ح‌ 752، ص‌ 229.

24.همان، ج‌ 3، ح‌ 833، ص‌ 297، و ح‌ 1072، ص‌ 500.

25.همان، ج‌ 4، ح‌ 1098، ص‌ 20؛ و كمال‌ الدين، باب‌ 58، ح‌ 25.

26.عنايات‌ حضرت‌ مهدي(عج) به‌ علما و طلاب، ص‌ 176، (پاورقي).

27.همان‌ (به‌ نقل‌ از: شيفتگان‌ حضرت‌ مهدي(عج)، ج‌ 3، ص‌ 160).

28.فاطمه` الزهراء(س) بهجه` قلب‌ المصطفي(ص)، ص‌ 198، (به‌ نقل‌ از بحارالانوار، ج‌ 22، ص‌ 491).

29.همان، ح‌ 6، ص‌ 109 (به‌ نقل‌ از احقاق‌ الحق، ح‌ 10، ص‌ 185) و ر.ك: بحارالانوار، ج‌ 36، ح‌ 110، ص‌ 288.

30.مفاتيح‌ الجنان، زيارت‌ حضرت‌ فاطمه‌ زهرا(س)، مقتل‌ خوارزمي، ج‌ 1، ح‌ 21، ص‌ 99.

31.چهل‌ حديث‌ پيرامون‌ نور يزدان، ص‌ 14 (به‌ نقل‌ از: كفايه` الا‌ثر، ص‌ 159).

32.نغمه‌هاي‌ فاطميه(س)، ص‌ 24.

33.با دعاي‌ ندبه‌ در پگاه‌ جمعه، ص‌ 16 (به‌ نقل‌ از عيون‌ ا‌خبار الرضا(ع)، ج‌ 1، ص‌ 47؛ كمال‌ الدين، ج‌ 1، ص‌ 268).

34.مفاتيح‌ الجنان، دعاي‌ عهد.

35.مكيال‌ المكارم‌ (فارسي) ج‌ 2، ص‌ 218 و (عربي) ج‌ 2، ص‌ 160 (به‌ نقل‌ از كتاب‌ غايه` المرام، سيد محدث‌ بحراني(ره) ص‌ 189 باب‌ 23 ح‌ 105؛ به‌ نقل‌ از غيبت‌ نعماني، نشر صدوق، ح‌ 24، ص‌ 133).

36.كامل‌ الزيارات، پيام‌ حق، 1377، باب‌ 40، ح‌ 4، ص‌ 386.

37.همان، پيام‌ حق، 1377، باب‌ 40، ح‌ 4، ص‌ 386؛ مفاتيح‌الجنان، فصل‌ هفتم، مقصد اول‌ (به‌ نقل‌ از ابن‌ قولويه‌ و كليني‌ و سيد بن‌ طاووس‌ و ديگران).

38.بحار الا‌نوار، ج‌ 45، ح‌ 12، ص‌ 401؛ النجم‌ الثاقب، مسجد مقدس‌ جمكران، 1380، چاپ‌ چهارم، ص‌ 495.

39.النجم‌ الثاقب، مسجد مقدس‌ جمكران، 1380، چاپ‌ چهارم، ص‌ 489؛ مفاتيح‌ الجنان، تشّرف‌ حاج‌ علي‌ بغدادي.

40.ر. ك: خلاصه` العبقري‌ الحسان، ص‌ 34؛ العبقري‌ الحسان، ج‌ 2، ص‌ 80.

41.در مجلهِ‌ انتظار، شمارهِ‌ 7 گفتيم، به‌ بيست‌ و پنج‌ مورد از شباهت‌هاي‌ اين‌ دو بزرگوار اشاره‌ مي‌كنيم، ولي‌ به‌ موارد ديگري‌ برخورد كرديم. مواردي‌ هم‌ برادر ارجمند آقاي‌ لطيف‌زاده‌ تحقيق‌ كردند، از اين‌ روي‌ برخي‌ از آن‌ها را ذكر مي‌كنيم.

42.ر.ك: صحيح‌ بخاري، دارالكتب‌ العلميه`، ج‌ 3، باب‌ 40، باب‌ غزوه` خيبر، ح‌ 4240 و 4241، ص‌ 80.

43.كمال‌ الدين‌ و تمام‌ النعمه`، ج‌ 1، باب‌ 26، ح‌ 14؛ بحار الا‌نوار، ج‌ 51، ص‌ 109.

44.همان، ج‌ 2، باب‌ 45، توقيع‌ 4.

45.نور: 55.

46.روزگار رهايي، ج‌ 2 ص‌ 607.

47.ر.ك: چشمه‌ در بستر، ص‌ 255؛ فرهنگ‌ فاطميه، ص‌ 140 (به‌ نقل‌ از بحار الانوار، ج‌ 43، ص‌ 177).

48.بحار الا‌نوار، ج‌ 43، ص‌ 35.

49.ر.ك: چشمه‌ دربستر، ص‌ 434، و بحارالانوار، ج‌ 43، ص‌ 158؛ عوالم‌ العلوم، ج‌ 11، قسمت‌ دوم، ص‌ 814؛ ا‌علام‌ النساء، ج‌ 4، ص‌ 128.

50.صحيح‌ بخاري، دارالكتب‌ العلميه`، باب‌ غزوه` خيبر، ح‌ 4240 و 4241، ص‌ 80.

51.روزگار رهايي، ج‌ 1، ص‌ 191، (به‌ نقل‌ از كافي، ج‌ 1، بابٌ في الغيبه`، ح‌ 31 و به‌ نقل‌ از بحارالا‌نوار، ج‌ 52، ص‌ 90).

52.كافي، ج‌ 1، بابٌ في‌ الغيبه`، ح‌ 25.

53.همان، ح‌ 13 و 30.

54.همان، ح‌ 12؛ الغيبه` نعماني، ح‌ 13، 14، 15 و 16، ص‌ 251.

55.احتجاج، دارالاسوه، ج‌ 2، ص‌ 597.

56.طوسي، الغيبه`، معارف‌ اسلامي، ص‌ 266.

57.مفاتيح‌ الجنان، زيارت‌ حضرت‌ زهرا.

58.خوارزمي، مناقب، ج‌ 3، ص‌ 141.

59.الغيبه`، نعماني، ص‌ 222؛ بحارالا‌نوار، ج‌ 53، ص‌ 354.

60.بحار الا‌نوار، ج‌ 43، ص‌ 172.

61.همان، ص‌ 81 و 82.

62.همان، ج‌ 43، صص‌ 76 و 84.

63.همان، ج‌ 86، ص‌ 81.

64.ر.ك: چشمه‌ در بستر، صص‌ 355 و 434.

65.ينابيع‌ الموده`، ج‌ 3، ص‌ 62؛ الزام‌ الناصب، ص‌ 223.

66.نهج‌ البلاغه`، فيض‌ الاسلام، خطبه‌ 138.

67.مفاتيح‌ الجنان، دعاي‌ شريف‌ ندبه.

68.بحار الا‌نوار، ج‌ 43، ص‌ 176.

69.همان، ج‌ 43، ص‌ 81.

70.احتجاج، ج‌ 2، ص‌ 497؛ ر.ك: امام‌ زمان(عج) و سيد بن‌ طاووس، ص‌ 175، دعاي‌ حضرت‌ مهدي(عج) براي‌ شيعيان.

71.دهر: 21.

72.روزگار رهايي، ج‌ 2، ص‌ 598.

73.بحارالا‌نوار، ج‌ 18، ص‌ 60.

74.جمال‌ الاسبوع، ص‌ 310؛ صحيفهِ‌ مهدويه، ص‌ 290.